

مختصری از حیات حضرت ولی امرالله

دوران کودکی:

حضرت ولی امرالله در ماه مارچ سال 1897 در عکا متولد شدند که از طرف پدر (میرزا هادی شیرازی) به سلاله (نسل) حضرت اعلی و از طرف مادر (دیاییه خانم بزرگترین دختر حضرت عبدالبهاء) به حضرت بهالله می رسد.

نام مبارک "شوقی" را حضرت عبدالبهاء عنایت فرمودند ولی همه گان حضرتشان را شوقی افندی خطاب میفرمودند.



میگویند ایشان پنج ساله بودند که دست از سر حضرت عبدالبهاء برنمیداشتند تا وجود مبارک چیزی بر ایشان مرقوم فرماید در نتیجه این استقامت لوحی در کمال ملاحظت از پیراه فضل و رحمت بافتخار آن طفل ملکوتی نازل گردید:

ای شوقی من فرصت تکلم ندارم دست از سر ما بردار گفתי بنویس نوشتم دیگر چه باید کرد
حال وقت خواندن و نوشتن تونیست هنگام برجستن و یا الهی مناجات کردنت مناجات
جمال مبارک را حفظ کن و از برای من بخوان تا استماع نمایم و آلا فرصت چیز دیگر نه .

ع ع

حضرت ولی امرالله تا ۱۱ سالگی را در زندان عکا به همراه خانواده خود سپری نمود.

دوران جوانی:

شوقی ربانی در حیفا ابتدا در کالج دفررمدرك هنر خود را گرفتند و سپس در دانشگاه بیروت مشغول به مطالعه زبان انگلیسی شدند که با فرا گرفتن آن ، در کنار زبان های فارسی، ترکی، عربی و فرانسه با تسلط کامل به عنوان منشی حضرت عبدالبهاء ، نامه های ایشان را ترجمه می نمودند.

سرانجام در دانشگاه آکسفورد انگلستان برای ادامه تحصیلات در رشته "جامعه و اقتصاد" مشغول گردید که در کنار آن فن ترجمه خود را نیز تقویت می نمودند.

در دانشگاه آکسفورد مشغول تحصیل بود که خبر فوت حضرت عبدالبهاء پدر بزرگ و مقتدای خود را می شنود. تحمل این خبر برای او بسیار مشکل بوده بحدی که چند ماهی بطور کلی از همه کنارگیری می کند.



حضرت عبدالبهاء در وصیت‌نامهء خویش موسوم به الواح وصایا نوهء ارشد خود، شوقی افندی ربّانی را ولی امر و مبینّ تعالیم بهائی تعیین فرمودند. حضرت شوقی افندی در مقام ولی امر بهائی در سال ۱۹۵۷ عالم خاک را وداع گفتند. ایشان در طی سی و شش سال بسیاری از آثار حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء را به انگلیسی ترجمه و تشریح نموده، تأسیس مؤسسات محلی و ملی بهائی را تشویق فرموده و انتشار افکار بهائی را در اقطار عالم تحت نقشه‌هائی منظم و مستمر رهبری کردند.

حضرت ولی امرالله یادگار جاودانه خود را با ایجاد تزئینات باشکوهی جهت استقرار مرکز جهانی بهائی در ارض اقدس تأسیس فرمودند. بنای مقام عرش مطهر حضرت ربّ اعلی و ساختمان آرشیو بین‌المللی بهائی، و همچنین طراحی و تنظیم و ترتیب باغهای زیبای قصر بهجی و دامنه کوه کرمل از خلاقیت بی‌نظیر آن حضرت است .

ولی امر بهائی

پس از درگذشت حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱ قیادت جامعه بهائی بمرحله جدیدی وارد شد یعنی از تمرکز در یک فرد واحد تغییر یافت و به نظم اداری که بر اساس "دو رکن" ولایت امرالله و بیت العدل اعظم استوار بود منتقل گردید .

این نظم اداری را ابتدا حضرت بهاءالله در کتاب اقدس پیش بینی فرمود و در زمان حضرت عبدالبهاء مخصوصاً در الواح وصایایش شکل گرفت. در الواح وصایا نوه ارشدش حضرت شوقی افندی به مقام ولی امرالله منصوب شد و در همان سند نیز انتخاب بیت العدل اعظم که اعلی هیأت قانونگذاری است، ولی امرالله «رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لاینعزل» آن نیز مذکور آمد. (1)

بیت العدل اعظم در زمان حضرت عبدالبهاء تشکیل نشد و بر عهده ولیّ امرالله افتاد تا طیّ سی و شش سال دوره ولایتش بعنوان قائد امر حضرت بهاءالله اساس و پایه‌های بیت العدل اعظم را بنا فرماید .

در آن سالها حضرت شوقی افندی جامعه بهائی را در دامن نظم اداری بهائی پرورش داد و اهل بها را برای تأسیس بیت العدل اعظم که دیگر مؤسسه مرکزی امر بهائی است آماده فرمود و با توفیقات و مکاتیب مستمرّ از رابطه متقابل مؤسسه ولایت با بیت العدل اعظم بحث کرد و درباره هر دو فرمود که "اساسش من عندالله است و وظائفش خطیر و ضروری و مرام و مقصدشان مکمل یکدیگر." (۲) و فرمود که مقصد مشترک این دو مؤسسه آنست که همواره "سلطه و اختیاراتی را که من جانب الله بوده و از نفس مظهر ظهور سرچشمه گرفته است حفظ نماید و وحدت پیروان آئینش را محفوظ دارد و اصالت و جامعیت تعالیمش را صیانت کند." (۳) مؤسسه ولایت امرالله وسیله‌ای برای ادامه تبیین مصون از خطای آثار و تعالیم حضرت بهاءالله و وظیفه بیت العدل آنست که درباره امور لازمه "در آثار مقدسه بصراحت نیامده باشد" به تشریح قوانین پردازد. (۴) بفرموده حضرت ولیّ امرالله، "چون این دو مؤسسه متفقاً به اجرای وظائف پردازند امور تمشیت پذیرد و اقدامات جامعه مرتبط گردد و مصالح امرالله ترویج یابد و قوانینش تنفیذ شود و تشکیلات تابعه‌اش حمایت گردد." (۵)

از جمله شواهد فعل و انفعالات متقابله ولایت امرالله با بیت العدل اعظم زحمات بلا انقطاع حضرت ولیّ امرالله برای توسعه و ازدیاد جامعه های بهائی در اطراف جهان است تا بتوانند بموجب نظم اداری بهائی هیأت‌های قانونگذاری ملی خود را تشکیل دهند. هدف تشکیل این محافل ملی نیز انتخاب بیت العدل اعظم بود تا نظمی که مخلوق حضرت بهاءالله است بمرحله اکمال برسد .

ولایت امرالله مؤسسه‌ای موروثی بود و حضرت عبدالبهاء در الواح وصایا طرز انتصاب ولیّ امرالله را در هر زمان مقرر فرمود. حضرت شوقی افندی فرزندی نداشت و سایر افراد فامیل حضرت عبدالبهاء واجد شرایط مصرّحه در آثار مقدّسه نبودند لهذا جانشینی را اختیار نفرمود. اما در آثار بیشماری که حضرت شوقی افندی از سال ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ در هدایت جامعه بهائی از خود باقی گذاشت تأثیرات عظیمش زنده و پاینده است. برای آنکه از ابّهت این میراث عظیم آگاه باشیم خوب است که در کارنامه حضرت ولیّ امرالله در رشد دادن جامعه بهائی مطالعه و دقت نمائیم .

آثار حضرت ولیّ امرالله :

حضرت عبدالبهاء درباره آنکه چه کسی بعد از ایشان عهده دار امور امر بهائی است این عبارات موثر را الواح وصایای خود مرقوم داشته اند :

ای یاران با وفای عبدالبهاء! باید... شوقی افندی را نهایت مواظبت نمائید.....

زیرا اوست ولیّ امرالله بعد از عبدالبهاء... من عصا امره عصی الله و من عرض عنه فقد عرض عن الله و من أنکره فقد انکر الحق. این کلمات را مبدا کسی تأویل نماید... (۶)

باین ترتیب مسأله رهبری جامعه بهائی پس از درگذشت حضرت عبدالبهاء بتصریح تمام معلوم گشته است. ولایت امرالله سبب حفظ آئین بهائی گردید، قیادت جامعه از حضرت بهاءالله به حضرت عبدالبهاء سپس به حضرت شوقی افندی ادامه یافت. (۷)

حضرت شوقی افندی در اوان جوانی در اوائل سالهای بیست سالگی هنگام تحصیل در دانشگاه آکسفورد در کالج بالیول به ولایت امرالله منصوب گردید. غم و اندوه درگذشت جدّ بزرگوارش بر بار سنگین مسئولیت جدیدش بیافزود و ضربت ناگهانی سختی بر وجود مقدّسش وارد آورد. حضرت شوقی افندی ابداً حتّی باشاره اطلاع نداشت که بمقام ولایت امرالله منصوب خواهد شد.

لذا برای آنکه خویش را آماده چنان مقامی فرماید و بر غم و اندوه فائق آید در چند ماه اول پس از صعود حضرت عبدالبهاء از ارض اقدس بیرون رفت و عزلت و تنهائی برگزید. در این مدّت غیبت از ارض اقدس امور امرالله را در کف کفایت بهیّه خانم خواهر حضرت عبدالبهاء و معتمد حضرت شوقی افندی نهاد. بهیّه خانم که ملقب به حضرت ورقه علیا بود بسیار خردمند و تا سال ۱۹۳۲ که در این جهان زندگی فرمود به حضرت ولیّ امرالله بسیار وفادار بود. تعلق قلبی حضرت ولیّ امرالله را نسبت بایشان از توقیعی که پس از رحلت حضرت ورقه علیا مرقوم فرمود میتوان دریافت :

یادآوری آن جمال بيمثال و تبسم های آن طلعت جلال و کمال تسلی قلب کئیب این عبد در ممر حیات است ممريکه به خارهای مصائب آلوده است و مقدر است که آنرا تا پایان بپیمایم. لمس ایادی کریمهات مرا قوت دل و جان است و همین لطف و عنایت است که مرا توانائی میبخشد تا صراط مستقیمی را که پیمودی این عبد نیز بهمان قوت و استقامت طیّ نمایم. سحر ندای شیرینت در ساعات مظلّمه بلایا جذب و شوری میدهد که به پیروی از حیات پر برکاتت که در هر حال از تمسک با هداب کبریا و تشبّث بجمال استقامت و وفا باز نماند، این عبد نیز بعروة لاوثقاي ولای او متمسک بمانم. (۸)

راه پرزحمتی را که در این توفیق حضرت ولیّ امرالله بدان اشاره میفرماید راهی است که برای حفظ امر جوان بهائی از دشمنان داخل و خارج قرار بود پیموده شود. حضرت ولیّ امرالله یگانه مبین آثار و مروجّ تعالیم حضرت بهاءالله بود. نظم امر بهائی را بنا فرمود. باجراة نقشه هائی برای انتشار امر بهائی طبق دستور حضرت عبدالبهاء قیام نمود. بترجمه آثار مقدّسه از فارسی و عربی بزبان انگلیسی پرداخت که خود میزانی برای ترجمه آثار بزبانهای دیگر جهان شد. کتاب تاریخی درباره قرن اول بهائی مرقوم داشت و املاک بهائی را در حیف و عگا تعمیر و بحدائق زیبائی مزین فرمود. اینها سرلوحه اقدامات و خدمات مشهود حضرت ولیّ امرالله بود اما بهمان اندازه اهمّیت دارد که اشاره کنیم که حضرت ولیّ امرالله دارای قدرتی بود که میتواندست افراد عادی را برانگیزد تا بتوانند بخدمتاتی فوق العاده قیام کنند. چون سرداری بوده که لشگریان خویش را هنگام جنگ در فتح و پیروزی نهائی قیادت میکند. نامه های بیشماری، کوتاه یا دراز، به جامعه های بهائی در سراسر عالم مرقوم داشت و بهائیان را دعوت کرد که قیام نمایند و بخدمت دین خویش و خدمت خلق پردازند. مثلاً در نامه ای به بهائیان امریکا در سال ۱۹۴۸ آنرا "بائیان دلیر نظم جهان آرای حضرت بهاءالله" مخاطب ساخت و از ایشان خواست که "هر قدر عالم انسانی در غمرات یأس و انحطاط و نفاق و استیصال بیشتر فرورود" آنان "باید بیشتر در مدارج عالیّه شجاعت و علو همت صعود نمایند." (۹)

حضرت شوقی افندی نیز مانند مرکز میثاق مبین منصوص و مروجّ آثار مقدّس امر بهائی بود و هر سئوالی که راجع به تبیین بود به ایشان راجع میشد. اگرچه که در آنچه از قلم حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء نازل شده بود در حیطة اختیار حضرت ولیّ امرالله نبود تغییری دهد اما در حلّ مسائل مبهمه و تعالیم نازله توضیحات وافی باهل بها عنایت میفرمود و در این کار هزاران نامه به افراد و جامعه های بهائی در اطراف عالم مرقوم داشت این هدایتها اهل بها را در فهم و عرفانشان از الواح و آثار مقدّسه متحد ساخت.

حضرت شوقی افندی آثار بهائی را در نهایت فصاحت، از زبان نزولی یعنی فارسی و عربی به زبان انگلیسی عرفانی ترجمه فرمود. در سال ۱۹۲۱، آثار محدودی از گنجینه بسیار وسیع حضرت بهاءالله بزبان انگلیسی موجود بود. حضرت ولیّ امرالله آثار مهمّ حضرت بهاءالله را ترجمه و مدوّن ساخت تا بهائیان جهان بتوانند به ترجمه های مستند

آثار دست یابند. تاریخ نبیل اعظم را که تاریخ ایام اولیه آئین بهائی است تلخیص و ترجمه و بنام مطالع الانوار منتشر فرمود تا انگلیسی زبانان از کارنامه فوق العاده اسلاف روحانی خویش بهره ور شوند و اظهارات شاهد های عینی را که بزیارت حضرت باب و حضرت بهاء الله فائز شده بودند بخوانند. حضرت شوقی افندی نیز خود کتاب تاریخی بنام قرن بدیع (God Passes By) مرقوم فرمود .

بعنوان سازنده نظم اداری امر بهائی، حضرت شوقی افندی پس از مطالعه دقیق بیانات حضرت بهاء الله و عبدالبهاء درباره تأسیس موسسات بهائی برنامه ای طرح فرمود تا با آن بتوان موسسات و تشکیلات را ایجاد نمود. بیانات و اشارات حضرت بهاء الله و مرکز میثاق راجع به نظم اداری بهائی راهنمای حضرت ولی امر الله گشت تا جامعه های ضعیف بهائی در اطراف جهان را به مرتبه ای برساند که بتوانند تشکیلاتی را که حضرت بهاء الله بدان اشاره فرموده پشتیبانی کنند. وقتی حضرت شوقی افندی به سمت ولی امر الله منصوب گردید در هیچ جا هیأت ملی تشکیلات بهائی وجود نداشت اما چون عمر مبارکش سرآمد ۲۶ محفل ملی تشکیل شده بود و در پایان نقشه دهساله که برای گسترش و تحکیم امر بهائی در سطح جهانی طرح فرموده بود، به ۵۶ محفل ملی افزایش یافت .

حضرت شوقی افندی بسیاری از مکاتبات خویش را در توضیح نظم اداری بهائی مرقوم فرمود. مثلاً در اوائل کار در مارچ ۱۹۲۳ نامه هائی به بهائیان امریکا و بریتانیا و فرانسه و سوئیس و ایتالیا و ژاپن و استرالیا مرقوم داشت که در آن شرایط لازم را برای تشکیل محافل محلی و ملی و راهنمائی های ضروری برای انتخابات محفل و رئیس و وظائف محافل درج شده بود و دوراندیشی بهائیان را درباره انتخابات بهائی تقویت و فرمود: "با این محافل روحانی محلی و ملی که با هماهنگی و قدرت و لیاقت در سراسر عالم بهائی بکار مشغولند یگانه وسائل تشکیل بیت العدل اعظم بخوبی فراهم آمده است." (۱۰)

رشد نظم اداری بهائی ناگهانی و خود به خود بوجود نیامد بلکه نقشه هائی طرح شد که بموجب آن انتشار دین بهائی در سراسر عالم بطور منظم صورت گرفت - بهائیان داوطلب بعنوان مهاجر که در حقیقت پیش آهنگان این سیر رشد و نمو بودند در نقاط مهجور و دور پخش شدند تا به ترویج آئین و تشکیل جامعه بهائی پردازند. در نقشه دهساله که از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳ ادامه داشت صدها مهاجر در کشورها و مناطق بعیده در سراسر جهان مستقر گشتند و موفق به تشکیل ۴۴ محفل ملی و محافل ناحیه ای گشتند و تعداد محافل ملی از ۱۲ محفل در شروع نقشه به ۵۶ محفل ملی افزایش یافت و تعداد بهائیان باضعاف مضاعف بالا رفت .

حضرت ولیّ امرالله علاوه بر اداره مهاجران بهائی در سراسر کره زمین به نموّ و ترقی مرکز جهانی بهائی در شهر حیفا مبادرت ورزید. بر مزار حضرت باب معروف به مقام اعلی که حضرت عبدالبهاء ساخته بودند حضرت شوقی افندی روبنای مجلّی بنا فرمود و حول و حوش مزار حضرت بهاءالله معروف به روضه مبارکه خارج شهر عگا باغها و حدائق زیبا و گسترده ای خلق کرد. بنای دارالآثار بین المللی را در دامنه کوه کرمل تدارک دید که در آن الواح اصل و اشیاء متبرکّ متعلّق به حضرت باب و حضرت بهاءالله حفظ و به زائران بهائی ارائه میشود. بقایای اجساد حضرت نوّاب حرم و میرزا مهدی فرزند حضرت بهاءالله را از مقبره موقت به محلّ استقرار ابدی در کوه کرمل نزدیک مزار حضرت ورقه علیا در حول مقام اعلی انتقال داد. همه این اقدامات برای آن بود که برای مرکز روحانی و اداری این دین جهانی محیط متناسبی بوجود آید و حضرت ولیّ امرالله بعنوان قائد دین بهائی به اقداماتی مربوط به امور خارج از امر بهائی در مرکز جهانش پرداخت.

چون به عقب نگریم و ملاحظه کنیم که حضرت ولیّ امرالله اینهمه اقدامات متنوّع و عظیم را در صدها نقطه عالم طیّ سی و شش سال دوره ولایتش بثمر رسانید از عظمتش حیران گشته زبان به تمجید و تحسین می‌گشائیم. او بود که نظم اجتماعی الهی را که در کمون ظهور حضرت بهاءالله مکنون بوده با موقّیّت بعرضه شهود آورد. نویسنده ای این موضوع و حضرت ولیّ امرالله را چنین ستوده است: "یک فرد بشر در سراسر تاریخ گذشته و حال و آینده بوده است که در تجسم طرز کار نظم اجتماعی جهان بیش از همه نفوذ داشته است." (۱۱)

همسر حضرت ولیّ امرالله ، امة البهآء روحیه خانم، چنین فرموده :

حضرت ولیّ امرالله در قرع انبیق ذهن خلاقش جمیع عناصر امر حضرت بهاءالله را در یک "کلّ" نامرئی جمع آورد و در آنچه که در مخزن تعالیم و احکام و نظم بدیعی مکنون بود جامعهء متشکل و منظم بوجود آورد و از مجموعهء تعالیم دو مظهر الهی و مثال اعلای امر بهائی ردائی فاخر بافته شد که تا یک هزار سال پوشش بشری خواهد بود و بر آن حضرت ولیّ امرالله با سرانگشتان ماهرش طراحی فرمود و عناصرش را بهم در بافت و برای قوامش بر آن قلا بهای زیبایی از تیبیناتش از آثار مقدسه بر دوخت که هرگز فرسوده نشود و از هم ندرد تا زمانیکه پیغمبر دیگری به جهان آید و بار دیگر بر قامت خلق خدا جامهء مقدّس دیگری بپوشاند. (۱۲)

زندگی شخصی حضرت ولی امرالله:

حضرت ولی امرالله زندگی خویش را وقف کارش که زمام داری امر مبارک بود کرده بودند. در سال 1937 با مری مکسول (روحیه خانم) تنها دختر می مکسول و ویلیام ساترلند مکسول (مهندس معمار). حضرت ولی امرالله و روحیه خانم بچه ای نداشتند و زندگی خود را تماماً "صرف امرالله کردند."



صعود حضرت ولی امرالله:

شرح صعود از زبان روحیه خانم :

احدی نمیدانست و احدی قادر بر تحمل این دانستن نبود که پیام اکتبر ۱۹۵۷ آخرین نغمه آن بلبل الهی بود که از قفس جان در این خاکدان ترابی بلند فرمود . چه پیامی که مملو از سرور بود و سراسر بفتوحات امریه و امید و آرزوی نقشه های نوین مزین گشت و این فی الحقیقه هدیه گرانبهای آن مولای عزیز بشمار میرود. و چون اصابع قدرت کلک گهربار را زمین گذارد و پیام را برای عالم بهائی فرستاد روی از جهان و جهانیان بر تافت و همه را در غم و حسرت بی پایان بگذاخت . در همان پیام بود که آخرین عدد ایادی امرا را معین فرمودند و هشت نفر بر این هیئت مجلله افزودند بدین ترتیب عده زمامداران عالیقدر نظم اداری به ۲۷ نفر رساندند که بحفظ و حراست امرالله قیام و اقدام نمایند .

قبل از اختتام تابستان به لندن تشریف بردند تا برخی اسبابهای دیگر برای محفظه آثار خریداری فرمایند و قصد مبارک آن بود که تمام اشیاء متبرکه را به محفظه آثار منتقل فرمایند. وقتی آنجا بودند آن سرما خوردگی شدید شیوع یافت و هر دو مریض شدید طبیعی بسیار عالی داشتیم که او را حضرت ولیّ امرالله دوست داشتند و به وی اعتماد میورزیدند با آنکه چند روز تب شدید داشتند سرما خوردگی خیلی شدید نبود. طبیب اصرار ورزید که تا تب رفع نگردد هیکل مبارک آغاز سفر نفرمایند و باین امر راضی شدند . با آنکه در آتش تب می سوختند تمام رقائم و تلگرافها را مطالعه میفرمودند هیچ امری ایشان را از کار باز نمیداشت در این حال اشتها را از دست دادند و وجود مبارک بسیار ضعیف شدند.

بینهایت خسته بودند در حال خستگی بر رختخواب رفتند در رختخواب نشسته راپرتهای واصله را قرائت فرمودند آنقدر مکاتیب میرسید که اگر همه روز و هر روزی مرتباً چندین ساعت بقرائت و مراجعه اوراق واصله نمی پرداختند مطالعه و رسیدگی به این راپرتهای عقب میافتاد.

اما فشار کار و زحمات مبارکش از جهات مختلف بود . اینست که در سحر یوم چهارم سال 1957 قلب مبارک از کار ایستاد . آنقدر این واقعه مؤلمه ناگهانی و آرام در رسید که بکمال راحتی آن روح مقدس بجهان بالا عروج فرمود . بطوریکه صبح روز دیگر که نگاهم بچهره مبارک افتاد ابداً ندانستم که واقعه مؤلمه صعود رخ داده است چشمها باز بود ولی نگاه دیگر رنجی نداشت و حالت وحشت و نگرانی در آنها نبود . بر راحتی و آرامی دراز کشیده بودند

گوئی همان دم وجود مبارکش از خواب بیدار و به آرامی در فکر و اندیشه امور امری میباشند.

در عمق دردهای آن روز سیاه ، آنچه بر سر من آمده برای احدی نمیخواستم . چگونه ممکن بود باحبابی جهان خیر دهم که ولیّ امر ایشان از دستشان رفته، میدانستم که چند ساعت بعد باید بوسیله تلگراف حقیقت این واقعه دردناک را باحباباً اخبار نمایم ، ولی باز فکر کردم که این تلگراف لطمه خبر ناگهانی صعود را ملایمتر مینماید . چند ساعت بعد توسط حیفای به محافل ملیّه این حادثه و مصیبت ناگهانی را ابلاغ کردم زیرا اینگونه اخبار حقاً باید از مرکز جهانی بتمام مراکز امریّه برسد:

" حضرت شوقی افندی محبوب القلوب احبّاً و امانت مقدّسی که حضرت عبدالبهاء بیاران الهی سپرده بودند بر اثر حمله بغتی قلبی در حالت خواب صعود فرمودند بیاران تأکید نمایند بحبل استقامت متشبّث و بمؤسسه ایادی امرالله که در ظلّ عنایت مبارک پرورش یافته و آنرا حضرت ولیّ محبوب امرالله شدیداً تقویت و تحکیم فرمودند تمسک جویند در این موقع رهیبتنها وحدت قلوب و وحدت مقصد و وحدت مرام میتواند بطور شایسته وفاداری جمیع محافل ملیّه و قاطبه یاران الهی را نسبت بحضرت ولیّ امرالله که تمامی حیات خود را فدای خدمت آستان الهی فرمودند بمنصّه بروز و ظهور برساند".

روحیه



یادداشتها

- (1) مبارکه حضرت عبدالبهاء (کراچی: محفل روحانی ملی بهائیان پاکستان، ۱۹۶۰)، ص ۱۶ حضرت عبدالبهاء، الواح وصایای (1)
ترجمه لجنه ملی ترجمه آثار امری، ص ۷۸، (شوقی ربانی، دور بهائی (لانگنهاین: لجنه نشر آثار، نشر سوم، ۱۹۸۸) (2)
دور بهائی، صص ۷۸-۷۹ (3)
دور بهائی، ص ۸۲ (4)
دور بهائی، ص ۷۹ (5)
وصایا، ص ۱۴ الواح (6)
الواح وصایا، ص ۱۱ (7)
ص ۲۱۳ ربانی، گوهر یکتا (طهران: مؤسسه ملی مطبوعات امری، بی‌تاریخ)، ترجمه ابولقاسم فیضی، امه‌البهاء روحیه خانم (8)
ولئ‌امرالله خطاب به جامعه بهائیان آمریکا، شوقی ربانی، حصن حصین شریعت الله: مجموعه توقعیات مبارکه‌ء حضر (9)
بهائی، ۱۹۹۷)، ترجمه فواد اشرف، ص ۷۵ ۱۹۵۷-۱۹۴۷ (هرفهایم: لجنه نشر آثار)